

# مکاشفه عیسی مسیح - شماره پانزده

مهر هفتم و گشایش حقایق نبوتی

Jeff Pippenger

2023-11-13

و چون مهر هفتم را گشود، در آسمان قریب به نیم ساعت سکوت پدید آمد. و آن هفت فرشته را که در حضور خدا می‌ایستادند دیدم، و به ایشان هفت شیپور داده شد. و فرشته‌ای دیگر آمد و بر مذبح ایستاد، در حالی که مجمری زرین داشت؛ و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را همراه با دعا‌های همه مقدسان بر مذبح زرین که در برابر تخت بود تقدیم کند. و دود بخور، که با دعا‌های مقدسان بود، از دست فرشته به حضور خدا بالا رفت. و فرشته مجمر را برگرفت و آن را از آتش مذبح پر ساخته، بر زمین افکند؛ و صداها و رعد‌ها و برق‌ها و زلزله‌ای پدید آمد. مکاشفه ۸:۵-۵

ما به ریزش آتش مقدس از قدس آسمانی می‌پردازیم، در همان برهه‌ای از تاریخ که ایالات متحده قرار است آتش نامقدس را از آسمان نخست فرود آورد. افشای آنچه هفت رعد در باب دهم کتاب مکاشفه بر زبان آوردند، قرار بود تا درست پیش از بسته شدن مهلت فیض مهر و موم شود. همچنین، هنگامی که مهر هفتم گشوده می‌شود، مهلت فیض در آستانه بسته شدن به تصویر کشیده می‌شود.

و به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا زمان نزدیک است. آن که ستمکار است، بگذار همچنان ستمکار بماند؛ و آن که پلید است، بگذار همچنان پلید بماند؛ و آن که عادل است، بگذار همچنان عادل بماند؛ و آن که مقدس است، بگذار همچنان مقدس بماند. مکاشفه یوحنا ۱۰:۲۲، ۱۱.

گشایش مهر هفتم زمانی رخ می‌دهد که هفت فرشته برای دمیدن آماده می‌شوند.

و آن هفت فرشته‌ای که هفت شیپور داشتند، آماده شدند تا شیپورها را بنوازند. مکاشفه ۸:۶.

وقتی مهلت پایان می‌یابد، «هیچ‌کس» «قادر به ورود به معبد نیست»، زیرا شفاعت مسیح برای گناهان انسان‌ها پایان یافته است. مهلت خاتمه یافته است و به هفت فرشته فرمان داده می‌شود که جام‌های خشم خدا را بریزند.

و هیکل از دود برخاسته از جلال خدا و از قوت او پر شد؛ و هیچ‌کس قادر نبود به هیکل درآید تا زمانی که هفت بلای هفت فرشته تمام شدند. و ندایی عظیم از هیکل شنیدم که به هفت فرشته می‌گفت: بروید و کاسه‌های غضب خدا را بر زمین بریزید. مکاشفه ۸:۱۵، ۱۶:۱.

هیچ نشانه‌ای در دست نیست که هفت فرشته‌ای که در باب‌های نهم تا یازدهم کتاب مکاشفه شیپورهای هفتگانه را می‌نوازند، با هفت فرشته‌ای که هفت بلای آخرین را فرو می‌ریزند، متفاوت باشند. برعکس، ویژگی‌های نبوی داوریهایی که با هفت شیپور نمایش داده می‌شوند، از نظر جایگاه و آثار با هفت کاسه خشم خدا در باب شانزدهم موازی‌اند. به‌عنوان پیوندی مستقیم‌تر، داوریهایی شیپورها مستقیماً بلاها نامیده می‌شوند.

و باقی مردم که به سبب این بلایا کشته نشده بودند، با این حال از اعمال دست‌های خود توبه نکردند تا دیگر شیاطین و بت‌هایی از طلا و نقره و مفرغ و سنگ و چوب را پرستش نکنند؛ بت‌هایی که نه می‌بینند، نه می‌شنوند و نه راه می‌روند. مکاشفه ۹:۲۰.

گشودن مهر هفتم تعمداً در زمینه نزدیکی پایان مهلت قرار داده شده است. مهر هفتم نمایانگر شاهی دوم بر آنچه هفت تندر «بر زبان آوردند» است؛ همان چیزی که نوشتن آن بر یوحنا و نیز بر پولس ممنوع شده بود.

و با آواز بلند فریاد زد، چنان که شیری می‌غرد؛ و چون فریاد زد، هفت تندر صدای خود را سر دادند. و چون هفت تندر صدای خود را سر دادند، می‌خواستیم بنویسم؛ و صدایی از آسمان شنیدم که به من می‌گفت: آنچه را هفت تندر گفتند مهر و موم کن و آنها را ننویس. مکاشفه ۱۰:۳، ۴.

آنچه از سوی هفت رعد «بیان» شده بود مهر و موم شد؛ و در باب بیست و دو، نبوتی که در کتاب مکاشفه مهر و موم شده بود باید گشوده می‌شد، و همان‌گونه که درباره مهر هفتم نیز چنین بود، قرار بود درست پیش از پایان مهلت فیض گشوده شود.

خواهر وایت تصریح می‌کند که مهر و موم شدن آنچه «هفت تندر» گفتند، نمایانگر همان اقدام شیر قبیله یهودا بود؛ همان‌گونه که او به دانیال فرمان داد کتابش را تا زمان پایان مهر و موم کند. کتاب‌های دانیال و مکاشفه یک کتاب هستند، و در مکاشفه عیسی به‌عنوان شیر قبیله یهودا معرفی می‌شود، هنگامی که کتابی را که با هفت مهر مهر و موم شده بود می‌گشاید؛ پس این همان شیر قبیله یهودا بود که به دانیال نیز فرمان داد کتابش را تا زمان پایان مهر و موم کند. شیر قبیله یهودا همان کسی است که کلام خود را مهر و موم می‌کند و می‌گشاید، زیرا او خود کلام است.

«پس از آنکه این هفت رعد بانگ‌های خود را برآوردند، همان‌گونه که درباره کتابچه کوچک به دانیال فرمان داده شد، به یوحنا نیز دستور می‌رسد: «آنچه را که هفت رعد گفته‌اند، مهر کن.»» تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۷، ۹۷۱.

شواهد درونی کتاب‌های دانیال و مکاشفه نشان می‌دهند که برداشته شدن مهر هفتم گواه دوم برداشته شدن مهر از آنچه هفت رعد گفته بودند است. هم برداشته شدن مهر از کتاب دانیال و هم برداشته شدن مهر از کتابی که با هفت مهر مهر شده بود، نشان می‌دهند که حقایقی که هنگام گشوده شدن یک پیام نبوی آشکار می‌شوند، ماهیتی تدریجی دارند. از همین رو کتاب دانیال آن را افزایش دانش می‌داند و کتاب مکاشفه آن را به صورت برداشته شدن یک مهر پس از دیگری به تصویر می‌کشد.

این نوری است که پیوسته روشن‌تر و روشن‌تر می‌شود تا به روز کامل برسد.

اما راه درستکاران مانند نور تابان است که هرچه بیشتر می‌درخشد تا روز کامل. امثال ۴:۱۸

وقتی مهر و موم «حقیقت» گشوده می‌شود، تدریجی است.

اگر لازم بود که قوم باستانی خدا بارها رفتار او را با خود، در رحمت و داوری، در اندرز و توبیخ، به یاد آورند، به همان اندازه مهم است که ما نیز به حقایقی که در کلامش به ما سپرده شده است بیندیشیم—حقایقی که اگر بدان‌ها گوش فرا دهیم، ما را به فروتنی و تسلیم، و اطاعت از خدا رهنمون خواهد شد. ما باید به وسیله حقیقت تقدیس شویم. کلام خدا برای هر عصر حقایق ویژه‌ای عرضه می‌کند. رفتار خدا با قومش در گذشته باید مورد توجه دقیق ما قرار گیرد. باید درس‌هایی را که مقصودشان تعلیم ماست بیاموزیم. اما نباید به آنها بسنده کنیم. خدا قوم خود را گام‌به‌گام به پیش می‌برد. حقیقت پیش‌رونده است. جوینده صادق پیوسته از آسمان نور دریافت خواهد کرد. «حقیقت چیست؟» باید همواره پرسش ما باشد. نشانه‌های زمان، ۲۶ مه ۱۸۸۱.

در پایان ژوئیه ۲۰۲۳، مهرگشایی مکاشفه عیسی مسیح آغاز شد.

همان‌گونه که در مورد مهر هفتم و نیز سخنان هفت رعد صادق است، مکاشفه عیسی مسیح درست پیش از پایان دوره آزمایش گشوده می‌شود. این، شاهد سومی برای همان پیامی فراهم می‌آورد که با برداشته شدن مهر هفتم و هفت رعد نشان داده شده است. این سه بیان در کتاب مکاشفه سه شاهدند که با هم پیام مکاشفه عیسی مسیح را تشکیل می‌دهند. گشوده شدن این سه شاهد تدریجی است. پیام‌های آن نیز تدریجی است.

«اطاعت از شریعت خدا همان تقدیس است. بسیاری هستند که درباره این کار در جان تصورات نادرستی دارند، اما عیسی دعا کرد که شاگردانش به وسیله حقیقت تقدیس شوند و افزود: «کلام تو حقیقت است» (یوحنا ۱۷:۱۷). تقدیس امری آبی نیست، بلکه کاری تدریجی است، همان‌گونه که اطاعت پیوسته است. تا زمانی که شیطان و سوسه‌های خود را بر ما می‌افکند، نبرد برای غلبه بر خویشتن باید بارها و بارها از سر گرفته شود؛ اما به واسطه اطاعت، حقیقت جان را تقدیس خواهد کرد. آنانی که به حقیقت وفادارند، به واسطه استحقاق‌های مسیح، بر هر ضعف شخصیتی که آنان را به قالب‌پذیری از هر شرایط متغیر زندگی کشانده بود، غلبه خواهند کرد.» ایمان و اعمال، ۸۵.

انتشار توسعه تدریجی درک مکاشفه عیسی مسیح در پایان ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز شد. فرایند درک حقایقی که انتشارشان در آن زمان آغاز شد، اندکی پس از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز شد.

حقیقتی که در پیام گشوده شدن مهر هفتم شناسایی می‌شود، به نشانه راه فریاد نیمه‌شب می‌پردازد. فریاد نیمه‌شب در تاریخ جنبش میلریتی یک توسعه تدریجی حقیقت بود، و این واقعیت را می‌توان با مرور تاریخی کار ساموئل اسنو نشان داد. عیسی حرکت فرشته سوم را با حرکت فرشته اول به تصویر می‌کشد، زیرا او همواره پایان را با آغاز نشان می‌دهد.

حقایقی که در کنار هم پیام فریاد نیمه‌شب را شکل می‌دهند، عبارت‌اند از فهم اینکه خدا کیست و اینکه شخصیت او چگونه در کلامش نمایان می‌شود. آن حقایق همچنین شرحی بسیار دقیق از فرایند تاریخی‌ای را دربرمی‌گیرند که کسانی که در نهایت پیام فریاد نیمه‌شب را اعلام می‌کنند، آن را تحقق خواهند بخشید. تاریخ پنهان هفت رعد همان چیزی است که آن فرایند تاریخی را مشخص می‌کند. مهر هفتم بخشی از آن فرایند تاریخی مفصل است، اما آشکار شدن آن معطوف به دوره‌ای است که از زمانی آغاز می‌شود که پیام فریاد نیمه‌شب نهایی می‌شود و بدین‌سان زمانی را نشان می‌دهد که مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار به انجام می‌رسد. گشایش تدریجی مهر هفتم از زمانی آغاز می‌شود که پیام فریاد نیمه‌شب به طور کامل شکل می‌گیرد، چنان‌که اجتماع اردوگاهی اکستر در تابستان ۱۸۴۴ نشان می‌دهد. این مقالات دعوت‌نامه شخصی شما برای شرکت در اجتماع اردوگاهی اکستر هستند.

وقتی مهر هفتم گشوده می‌شود، آتشی از مذبح بر زمین افکنده می‌شود و «صداها و رعداها و برق‌ها و زلزله‌ای» پدید می‌آیند. «صدا» نماد شیپور است.

با صدای بلند فریاد بزن، دریغ مکن؛ صدایت را چون شیپور بلند کن، و به قوم من تقصیرشان و به خاندان یعقوب گناهانشان را اعلام کن. اشعیا ۱: ۵۸.

صدای شیپور پیامی را معرفی می‌کند که از داوری قریب‌الوقوع هشدار می‌دهد. وقتی اشعیا به قوم خدا فرمان می‌دهد صدای خود را مانند شیپور بلند کنید، باید با صدای بلند «فریاد» کنند. پیام فریاد نیمه‌شب اندکی پیش از ساعت زلزله قانون یکشنبه مهرگشایی می‌شود. پیام فریاد نیمه‌شبی که درست پیش از قانون قریب‌الوقوع یکشنبه مهرگشایی می‌شود، همان پیامی است که به فریادی بلند اوج می‌گیرد. وقتی اشعیا می‌گوید: «با صدای بلند فریاد بزن»، او به هم‌پیوندی فریاد بلند فرشته سوم اشاره می‌کند که همان صدای دومی است که به پیام فریاد نیمه‌شب می‌پیوندد. پیام فریاد بلند نیمه‌شب هشدار است درباره شیپور هفتم که همان وای سوم است. قوم خدا باید بفهمند که وقتی

آن پیام شیپور نواخته می‌شود، آنان در واپسین لحظاتِ زمان مهلتِ آزمایشی خود هستند. بنابراین فرمان اشعیا هشدار می‌دهد که برای آمادگی جهت بسته شدن مهلت، هشدار می‌دهد که داور شیپور وای سوم اسلام در شرفِ فرود آمدن بر ایالات متحده است، به سبب ردِ سبتِ خدا از سوی ایالات متحده. در هنگام قانون یکشنبه، فریادِ نیمه شب، که نخستین دو «صدا» در باب هجدهم مکاشفه است، به فریادی بلند اوج می‌گیرد؛ آنگاه دیگر فرزندان خدا که هنوز در بابل هستند، فراخوانده می‌شوند.

حقیقت برای این زمان، یعنی پیام فرشته سوم، باید با صدای بلند اعلام شود، یعنی با قدرتی فزاینده، هرچه به آزمون بزرگ نهایی نزدیک‌تر می‌شویم. مواد ۱۸۸۸، ۷۱۰.

قدرت فزاینده «فریاد بلند» فرشته سوم، در سینا به گونه‌ای نمادین نمایان شد، آن گاه که خود یهوه ده فرمان را اعلام کرد. در آن واقعه، هرچه کوه می‌لرزید و در دود می‌پیچید، شیپور نیز بر قدرتش می‌افزود. وحشت چنان عظیم بود که حتی موسی نیز سخت به لرزه افتاد. سپس مردم با ترس «صداها» خود را بلند کردند و خواستند که «صدای» خدا دیگر به صدا در نیاید.

و صدای شیپور، و صدای سخنان؛ همان صدایی که شنوندگانش التماس کردند که دیگر آن کلام به آنان گفته نشود: (زیرا طاقت آنچه فرمان داده شده بود را نداشتند؛ و اگر حتی حیوانی کوه را لمس کند، باید سنگسار شود یا با نیزه زده شود؛ و آن منظره چنان هولناک بود که موسی گفت: بسیار می‌ترسم و می‌لرزم). عبرانیان ۱۹:۱۲-۲۱.

"صدایی" که "آنان" شنیده بودند "نمایانگر" صدای "پیام هشدار فرشته سوم است. در رنجی هراسناک، با "صداها" خود پاسخ دادند. "صداها" در هنگام قانون یکشنبه نیز در قالب باکره‌های نادانی که درخواستِ روغن می‌کنند بازنمایی شده‌اند، و "صداها" باکره‌های دانا به آنان می‌گویند که بروند و برای خود بخرند. در پایان مهلتِ آزمایشی بشر، "صداها" کسانی که درمی‌یابند هلاک شده‌اند، همان‌گونه که باکره‌های نادان ادونتیست در هنگام قانون یکشنبه، فریاد برمی‌آورند که کوه‌ها و صخره‌ها بر آنان فرو افتند. قانون یکشنبه به دادن شریعت در کوه سینا تمثیل شده است.

در برابر جلوه‌های شگفت‌انگیز قدرت الهی در آن موقعیت پرهیبت—نغمه‌های رازآلود شیپور که هر دم بلندتر و هولناک‌تر می‌شد، غرش‌های رعد که از هر دامنه کوه بازمی‌پیچید، درخشش برق که قله پرصلابت و پرهیبت را روشن می‌کرد، و بر فراز سینا، در میان ابر و توفان و تاریکی غلیظ، جلال خدا چون آتشی فروبرنده—در برابر این نشانه‌های حضور یهوه، دل‌های اسرائیل از ترس فرو ریخت و تمامی جماعت «از دور ایستادند». حتی موسی فریاد برآورد: «بسیار می‌ترسم و می‌لرزم.» سپس، فراتر از خروش عناصر، صوت یهوه شنیده شد که ده فرمان شریعت خود را بیان می‌کرد.

آنگاه که آینه بزرگ خدا وضعیت حقیقی قوم اسرائیل را بر آنان آشکار ساخت، جان‌هایشان از وحشت درهم شکست. قدرت هولناک سخنان خدا بیش از آن می‌نمود که پیکره‌های لرزان‌شان تاب تحملش را داشته باشد. آنان از موسی التماس کردند: «تو با ما سخن بگو تا بشنویم؛ اما خدا با ما سخن نگوید، مبادا بمیریم.» چون قانون بزرگ عدالت خدا در برابرشان ارائه شد، چنان‌که هرگز پیش از آن نبود، به ماهیت نفرت‌انگیز گناه و تقصیر خویش، در نظر خدای پاک و قدوس، پی بردند. نشانه‌های زمان، ۳ مارس ۱۸۸۱.

وقتی آتش از قربانگاه بر زمین افکنده می‌شود، «صداها، و رعدها، و برق‌ها، و زلزله‌ای» رخ می‌دهند. «رعد و برق» نماد داورهای خداست. با برقراری قانون یکشنبه، ایالات متحده «جام شرارت» خود را به‌طور کامل پر خواهد کرد، و «ارتداد ملی با نابودی ملی دنبال خواهد شد». «جام شرارت» در نسل چهارم پر می‌شود، زیرا هر دو شاخ وحش زمین در چهار نسل پیایی، در شورشی فزاینده پیشروی می‌کنند. قانون یکشنبه نقطه‌ای را نشان می‌دهد که در آن داورهای خدا، که با «رعدها و برق‌ها»

نشان داده شده‌اند، اعمال می‌شوند؛ و این داوری‌ها تا نسل چهارم اعمال می‌شوند.

دربارهٔ اموریان، خداوند گفت: «در نسل چهارم بار دیگر به اینجا باز خواهند آمد، زیرا گناه اموریان هنوز کامل نشده است.» هرچند این قوم به سبب بت‌پرستی و فسادش شهره بود، هنوز جام گناه خود را پر نکرده بود و خدا فرمان نابودی کاملش را صادر نمی‌کرد. مقرر بود که مردم قدرت الهی را به‌گونه‌ای چشمگیر آشکار شده ببینند تا عذری برایشان باقی نماند. خالق رحیم حاضر بود تا نسل چهارم در برابر گناهشان بردباری کند. سپس، اگر بهبودی دیده نمی‌شد، داوری‌های او بر آنان فرود می‌آمد.

آن ذات بی‌نهایت هنوز با دقتی بی‌خطا حساب همهٔ ملّت‌ها را نگه می‌دارد. تا زمانی که رحمت او همراه با دعوت به توبه پیشنهاد می‌شود، این حساب باز خواهد ماند؛ اما وقتی ارقام به حدّ معینی که خدا تعیین کرده برسد، اجرای غضب او آغاز می‌شود. حساب بسته می‌شود. صبر الهی پایان می‌یابد. دیگر در حق آنان درخواست رحمت وجود ندارد. شهادت‌ها، جلد ۵، ۲۰۸.

خواهر وایت داوری‌هایی را که با قانون یکشنبه آغاز می‌شوند، «داوری‌های ویرانگر خدا» می‌نامد. او تعلیم می‌دهد که برای ادونتیست‌های لادوقیه‌ای نادان، که فرصتی داشتند تا برای بحران نیمه‌شب آماده شوند اما از این کار امتناع کردند، دیگر دیر شده است. آن زمان داوری‌های ویرانگر برای دوشیزگان نادان، «زمان رحمت» است برای کسانی که هنوز حقیقت را نشنیده‌اند.

ای کاش مردم زمان تفتیش خود را می‌شناختند! بسیاری کسانی که هنوز حقیقت آزمایندۀ این زمان را نشنیده‌اند. بسیاری کسانی که روح خدا با آنان در کشمکش است. زمان داوری‌های ویرانگر خدا، زمان رحمت است برای آنان که هیچ فرصتی نداشته‌اند بیاموزند حقیقت چیست. خداوند با مهربانی به آنان خواهد نگرست. دل پررحمتش متأثر شده است؛ دستش هنوز برای نجات دراز است، در حالی که در بر کسانی که نخواستند وارد شوند بسته شده است. شهادت‌ها، جلد ۹، ۹۷.

وقتی مهر هفتم گشوده می‌شود، «صداها و رعدها و برق‌ها و زلزله‌ای» رخ می‌دهند. آن «ساعتی» که در آن «زلزله»ی مکاشفه‌ی یازدهم برای نخستین بار تحقق یافت، انقلاب فرانسه بود، و تحقق کامل آن «ساعت»، «زلزله»ی «وحش زمین» در قانون یکشنبه‌ای است که به‌زودی فرا می‌رسد. در همان «ساعت» است که مهر هفتم به‌طور کامل گشوده می‌شود. صلیب نماد قانون یکشنبه است، و در هنگام صلیب زلزله‌ای بزرگ رخ داد.

عیسی، چون بار دیگر با صدای بلند فریاد زد، جان سپرد. و اینک، پردهٔ معبد از بالا تا پایین دو نیم شد؛ و زمین لرزید و صخره‌ها شکافته شدند. متی ۲۵:۵۱.

بر صلیب، یک پادشاهی شیطانی سرنگون شد، همان‌گونه که در زمان قانون یکشنبه خواهد شد.

مسیح جان خود را تسلیم نکرد تا زمانی که کاری را که برای انجام دادنش آمده بود، به انجام رسانید، و با آخرین نفس خود ندا داد: «تمام شد.» یوحنا ۱۹:۳۰. نبرد به پیروزی انجامیده بود. دست راست و بازوی مقدسش او را به پیروزی رسانده بود. او چون فاتحی، پرچم خود را بر فراز بلندی‌های جاودان برافراشت. آیا در میان فرشتگان شادی نبود؟ تمام آسمان در پیروزی نجات‌دهنده شادمان شد. شیطان شکست خورد و دانست که پادشاهی‌اش از دست رفته است. اشتیاق اعصار، ۷۵۸.

زلزلهٔ صلیب بازنمایی «حقیقت» است که آلفا و امگا است. «حقیقت» آغاز، میانه و پایان است؛ واژه‌ای عبری است که با کنار هم آوردن حرف نخست، سیزدهم و آخر الفبای عبری ساخته شده است. وقتی مسیح جان داد، زلزله‌ای رخ داد و سپس در رستاخیز او نیز زلزله‌ای دیگر. بر صلیب نخستین زلزله بود، آنگاه قبر، و سپس زلزله رستاخیز او. در هر دو زلزله، قبرها گشوده شدند.

"وقتی عیسی، در حالی که بر صلیب آویخته بود، فریاد زد: «تمام شد»، سنگ‌ها شکافته شدند، زمین لرزید و برخی از قبور گشوده شدند. وقتی او پیروزمندانه بر مرگ و گور برخاست، در حالی که زمین می‌لرزید و جلال آسمان پیرامون آن مکان مقدس می‌درخشید، بسیاری از مردگان پارسا، مطیع دعوت او، بیرون آمدند تا گواهی دهند که او برخاسته است. آن قدیسان برخاسته و مورد لطف با جلال ظاهر شدند. آنان برگزیدگان و مقدسان هر عصر بودند، از آفرینش تا روزگار مسیح. پس در حالی که رهبران یهود می‌کوشیدند واقعیت رستاخیز مسیح را پنهان کنند، خدا خواست گروهی را از قبورشان برخیزاند تا شهادت دهند که عیسی برخاسته است و جلال او را اعلام کنند." نوشته‌های نخستین، ۱۸۴.

در نخستین زلزله، قبرها گشوده شدند و در آخرین زلزله، قبر مسیح گشوده شد. در مکاشفه یازده، دو شاهد در همان ساعتی که زلزله رخ می‌دهد از قبرهای خود بیرون می‌آیند. زلزله همان قانون یکشنبه است که صلیب نمونه آن است. از این‌رو، در هنگام قانون یکشنبه دو رستاخیز خواهد بود. نخستین نمایانگر تولد یکصد و چهل و چهار هزار است که پیش از دردهای زایمان زن رخ می‌دهد؛ دومی در هنگام دردهای او روی می‌دهد. زن مکاشفه دوازده نخست، بی‌هیچ درد زایمانی، فرزند ذکور را که بناست با عصای آهنین بر امت‌ها حکومت کند، به دنیا می‌آورد. سپس در هنگام قانون یکشنبه، دردهای او آغاز می‌شود و فرزند دوم را به دنیا می‌آورد. نخست الیاس را می‌زاید و در پایان موسی را. قانون یکشنبه هنگام رستاخیز دوقلوهای مکاشفه هفت است.

وقتی مهر هفتم در زمان قانون یکشنبه به‌طور کامل گشوده شود، در آسمان برای نیم ساعت سکوت برقرار می‌شود.

اما خدا همراه با پسر خویش رنج کشید. فرشتگان رنج نجات‌دهنده را شاهد بودند. آنان دیدند که سرورشان در محاصره سپاه‌های شیطانی است، وجودش زیر بار هراسی لرزه‌آور و رازآلود سنگین شده بود. در آسمان سکوت حکمفرما بود. هیچ چنگی نواخته نشد. اگر فانیان می‌توانستند حیرت‌سپاه فرشتگان را ببینند، آن‌گاه که در اندوهی خاموش نظاره می‌کردند که پدر پرتوهای نور و محبت و جلال خویش را از پسر محبوبش جدا می‌کرد، بهتر درمی‌یافتند که گناه تا چه اندازه در نظر او نفرت‌انگیز است. اشتیاق اعصار، ۶۹۳.

نخستین نیم‌ساعت از ساعت زلزله، نمایانگر نخستین تولد یا رستاخیز دو شاهد است. در آن نیم‌ساعت، دو شاهد مهر می‌شوند. آنان باید پیش از قانون یکشنبه مهر شوند، زیرا همان بیرقی‌اند که در نیم‌ساعت باقی‌مانده کودک دیگر را از گور فرا می‌خواند. کودک دوم تنها با دیدن مردان و زنانی که مهر خدا را دارند، در میان رنج‌های بحران قانون یکشنبه به زندگی بازآورده می‌شود.

کار روح‌القدس این است که جهان را از گناه، از عدالت و از داورِ ملزم سازد. جهان تنها زمانی هشدار می‌گیرد که ببیند آنان که به حقیقت ایمان دارند، به وسیله حقیقت تقدیس شده‌اند، بر اصول بلند و مقدس عمل می‌کنند و به شیوه‌ای والا خط فاصل میان کسانی را که فرامین خدا را نگاه می‌دارند و کسانی را که آنها را زیر پا می‌گذارند، نشان می‌دهند. تقدیس روح تفاوت میان کسانی را که مهر خدا را دارند و آنان را که روز استراحت جعلی‌ای را نگاه می‌دارند، آشکار می‌سازد. وقتی آزمون فرا برسد، به‌روشنی معلوم خواهد شد که نشان وحش چیست. این همان نگاه‌داشتن یکشنبه است. آنان که پس از شنیدن حقیقت، همچنان این روز را مقدس می‌شمارند، مهر مرد گناه را بر خود دارند؛ همان که در اندیشه داشت زمان‌ها و قوانین را تغییر دهد. مدرسه آموزش کتاب مقدس، ۱ دسامبر ۱۹۰۳.

نخست‌زادگان آن زن، همان صد و چهل و چهار هزار نفری هستند که در کتاب مکاشفه به‌عنوان نخستینه‌ها شناخته می‌شوند. آنان نماینده آن نشانه‌ای هستند که گله دیگر باید در بحران و کشاکش نبرد قانون یکشنبه آن را تشخیص دهد. آن نشانه سبت است؛ همان که صد و چهل و چهار هزار نفر در

زمانی که رعایتش غیرقانونی است از آن پاسداری می‌کنند. خواهر وایت بیرق آنان را «بیرق خون‌آلود شاهزاده عمانوئیل» می‌نامد.

«در رؤیا دیدم که دو لشکر در نبردی سهمگین درگیرند. یکی را پرچم‌هایی که نشان‌های جهان را داشتند رهبری می‌کرد؛ دیگری را پرچم خون‌آلود شاهزاده عمانوئیل. پرچم پشت پرچم واگذاشته می‌شد و در غبار کشیده می‌گشت، زیرا گروهان پشت گروهان از سپاه خداوند به دشمن می‌پیوستند، و قبیله پشت قبیله از صفوف دشمن با قوم نگاه‌دارنده احکام خدا متحد می‌شد. فرشته‌ای که در میانه آسمان پرواز می‌کرد، پرچم عمانوئیل را در دست‌های بسیاری نهاد، و در همان حال سرداری توانا به آواز بلند فریاد زد: "به صف بیاوید. آنان که به احکام خدا و شهادت مسیح وفادارند، اکنون جایگاه خود را بگیرند. از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید، و به ناپاک دست مزینید، و آنگاه شما را خواهم پذیرفت، و برای شما پدر خواهم بود، و شما پسران و دختران من خواهید بود. هر که می‌خواهد، برای یاری خداوند برآید، برای یاری خداوند بر ضد زورمندان."» شهادت‌ها، جلد ۸، صفحه ۴۱.

پرچم خون‌آلود چیزی است که رمه دیگر خدا باید در زمان بحران قانون یک‌شنبه ببیند. این پرچم نوری فزاینده است که به دست یک‌صد و چهل و چهار هزار حمل می‌شود. آن پرچم به رنگ سرخ است، زیرا پرچمی خون‌آلود است. آن پرچم در نبرد آریحا تمثیل شد، هنگامی که راحاب جاسوسان را پذیرفت و از آنان حفاظت کرد، و سپس با آویختن ریسمانی سرخ از پنجره‌اش، تسلیم خود را در برابر سپاه یوشع اعلام کرد. راحاب در بحران قانون یک‌شنبه نماینده دوم‌زادگان خداست، که نشانه سرخ را می‌بینند و می‌پذیرند و مطیع سپاه یوشع می‌شوند. آن ریسمان سرخی که راحاب به کار برد، نشانه‌ای بود برای سپاه یوشع تا خاندان راحاب را نابود نکنند.

راحاب نماینده‌ی کسانی است که در هنگام بحران قانون یک‌شنبه هنوز در بابل هستند و لشکر یوشع نماینده‌ی نخست‌زادگان یک‌صد و چهل و چهار هزار است. ریسمان سرخ نماد سبت خداست. ریسمان سرخ فرمانی بود که جاسوسان به راحاب دادند و اگر می‌خواست حمایت خدا را به دست آورد باید آن پیروی می‌کرد.

اینک، چون به آن سرزمین داخل شویم، تو باید این ریسمان سرخ‌رنگ را به پنجره‌ای که از آن ما را پایین فرستادی ببندی؛ و باید پدرت و مادرت و برادرانت و همه اهل خانه پدرت را نزد خود به خانه بیاوری. یوشع ۲:۸.

نشانه‌ای که کسانی که هنوز در بابل‌اند باید ببینند، با ریسمان سرخ نشان داده شده است؛ این همان سبت است، اما همچنین تمایز میان آن دو همزاد را نیز مشخص می‌کند. دوقلوی نخست‌زاده همان صد و چهل و چهار هزار نفر است، زیرا آنان پرچم خون‌آلود شاهزاده عمانوئیل را در دست دارند.

و او برای امت‌ها پرچمی برخواهد افراشت، و رانده‌شدگان اسرائیل را گرد خواهد آورد، و پراکنده‌شدگان یهودا را از چهار گوشه زمین جمع خواهد کرد. حسد افرایم نیز از میان خواهد رفت، و دشمنان یهودا برکنده خواهند شد؛ افرایم بر یهودا رشک نخواهد برد و یهودا افرایم را آزار نخواهد داد. اما بر شانه‌های فلسطیان به سوی غرب خواهند تاخت؛ و با هم، مردم شرق را غارت خواهند کرد؛ دست خود را بر ادوم و موآب خواهند نهاد، و بنی‌عمون مطیع ایشان خواهند شد. اشعیا ۱۱:۱۲-۱۴.

دوقلوی نخست‌زاده نشانه سرخی دارد؛ همان نخ سرخی که نخست‌زاده را مشخص می‌کند. دوقلوی نخست‌زاده زارح است و دوقلوی دوم فارص.

و چنین شد که در هنگام زایمان او، اینک دوقلوها در رحم او بودند. و چون زایمان می‌کرد، یکی دست خود را بیرون آورد، و قابله نخ قرمزی بر دست او بست و گفت: این نخست بیرون آمد. و چون دست خود را بازپس کشید، اینک برادرش بیرون آمد؛ و او گفت: چگونه شکافتی؟ این شکاف بر تو باد! از این رو نام او را فارص گذاشتند. و پس از آن برادرش که نخ قرمز بر دستش بود بیرون آمد، و نام او را زارح گذاشتند. پیدایش ۳۸:۲۷-۳۰.

Zarah به معنای نور برآینده است و Pharez به معنای "بیرون زدن" است. وقتی Pharez دوقلو نور برآینده نشانه نخ سرخ را که بر دست برادر دوقلویش Zarah است می‌بیند، "بیرون می‌زند" یا از بابل بیرون می‌آید. شناخت Zarah از نور برآینده نخ سرخ، تسلیم دوقلوی دیرتر زاده شده در برابر دوقلوی نخست زاده را نشان می‌دهد.

و از مشرق و مغرب و شمال و جنوب خواهند آمد و در ملکوت خدا خواهند نشست. و اینک، کسانی که آخرین‌اند نخستین خواهند شد، و کسانی که نخستین‌اند آخرین خواهند شد. لوقا ۱۳:۲۹، ۳۰.

تاریخ پنهان هفت تندر سه نشانه راه را مشخص می‌کند. نخستین و آخرین نشانه راه، ناکامی‌اند. دوره میان نخستین ناکامی و پیام ندای نیمه شب، زمان درنگ است. از ندای نیمه شب، که نشانه راه دوم است، به بعد، دوره مهر شدن است. این دوره که زمان مهر شدن است، در ناکامی آخر پایان می‌یابد.

تاریخ پنهان هفت رعد سه نشانه راه را مشخص می‌کند. نخستین و آخرین نشانه راه، گشوده شدن گورها در هنگام یک زلزله است. دوره میان گشوده شدن نخستین گور و پیام فریاد نیمه شب، زمان درنگ است. از فریاد نیمه شب - که دومین نشانه راه است - به بعد، این دوره، زمان مهر شدن است. این دوره زمان مهر شدن با گشوده شدن آخرین گور پایان می‌یابد.

مرگ و رستاخیز مسیح نیز بر این دو شاهد سه مرحله تاریخ پنهان هفت رعد شهادت می‌دهد. نخستین گشایش قبر با تعمید مسیح در قبر آبی نمادین شد؛ آخرین قبر، صلیب بود. میان تعمید مسیح و صلیب، مسیح پیام خود را اعلام کرد که نماد فریاد نیمه شب بود. او آن اعلام را در هزار و دویست و شصت روز به انجام رساند. پس از صلیب، در شخص شاگردانش، پیام فریاد نیمه شب تا مرگ استفانوس به مدت هزار و دویست و شصت روز تکرار شد.

دو شاهد باب یازدهم مکاشفه توان یافتند تا به مدت هزار و دویست و شصت روز پیام فریاد نیمه شب را اعلام کنند. سپس کشته شدند و برای هزار و دویست و شصت روز در خیابان‌ها بر زمین افتاده ماندند، تا آن‌که دوباره به زندگی بازگردانده شدند و اقتدار یافتند.

ما در مقاله بعدی به بررسی این حقایق ادامه خواهیم داد.

اگر بازگشت حقیقی جان به سوی خدا نباشد؛ اگر دم حیات بخش خدا جان را به زندگی روحانی زنده نسازد؛ اگر مدعیان حقیقت به اصلی که از آسمان سرچشمه می‌گیرد برانگیخته نشوند، از آن تخم فسادناپذیری که زنده است و تا ابد باقی می‌ماند زاده نشده‌اند. اگر به پارسایی مسیح به عنوان تنها تکیه‌گاه خود اعتماد نکنند؛ اگر منش او را الگو نگیرند و در روح او عمل نکنند، عریان‌اند؛ ردای پارسایی او را در بر ندارند. چه بسیار که مردگان به جای زندگان شمرده می‌شوند؛ زیرا آنان که آنچه را نجات می‌نامند مطابق اندیشه‌های خود به عمل درمی‌آورند، خدا را در خود ندارند که در ایشان کار کند تا اراده کنند و عمل کنند برای خشنودی نیکوی او.

"نمونه روشن این طبقه، دره استخوان‌های خشک است که حزقیال در رؤیا دید." ریویو اند هرالد، ۱۷ ژانویه ۱۸۹۳.